

منجی جهانی کیست؟



اگر در ادیان گذشته، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان منجی مطرح شده، پس وجود حضرت مهدی علیه‌السلام چه ضرورتی دارد؟ در ابتدا باید به این نکته توجه کرد که تورات و انجیل فعلی، مجموعه‌ای از کتاب‌هایی است که به وسیله یاران حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت عیسی علیه‌السلام به وجود آمده و در عین حال، شک نیست که قسمتی از تعلیمات انبیا و محتوای کتاب‌های آسمانی، در ضمن گفته‌های پیروانشان به این کتاب‌ها انتقال یافته است؛¹ پس آن چه در کتاب‌های ادیان فعلی وجود دارد، وحی آسمانی نیست تا اعتبار و حجیت داشته باشد. با توجه به این نکته، باید گفت که آن چه از قرآن درباره بشارت‌های کتاب‌های قبلی و اصلی - تحریف نشده - استفاده می‌شود و آن چه هم از لابه‌لای انجیل و تورات فعلی استفاده می‌شود، این است که بشارت به آمدن پیغمبری به نام «محمد و احمد» صلی‌الله‌علیه‌وآله داده‌اند؛ نه منجی که تمام بشریت را نجات دهد و عدالت را فراگیرد و جهانی نماید که در ذیل به این مطلب اشاره می‌شود:

بشارت در آیات قرآن

1. «و به یاد آورید، هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی‌اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم؛ در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [تورات] می‌باشم و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است».² این آیه می‌گوید که آن چه در تورات اصلی آمده، بشارت به آمدن رسولی به نام احمد است و نه منجی.
2. «آنها که از فرستاده خدا - پیامبر امی - پیروی می‌کنند، همان کسی که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، مکتوب می‌بینند».³ از این آیه هم استفاده می‌شود که بشارت کتاب‌های قبلی، آمدن پیامبر امی بوده، نه منجی جهانی.
3. «هنگامی که از طرف خداوند، کتابی [قرآن] برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند و پیش از این جریان به خود نوید فتح می‌دادند [که با کمک او بر دشمنان منطقه‌ای پیروز گردند، با این همه] هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند، نزد آنها آمد، به او کافر شدند. لعنت خدا بر کافران باد».⁴ در شأن نزول این آیه چنین می‌خوانیم: «یهود در کتاب‌های خویش دیده بودند که هجرت‌گاه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بین کوه «عیر» و «احد» خواهد بود؛ لذا از سرزمین خویش بیرون آمدند و در جست‌وجوی سرزمین مهاجرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداختند. در این میان، به کوهی به نام «حداد» در اطراف مدینه رسیدند و گفتند: حداد، همان احد است و در همان جا متفرق شدند و هر گروهی در جایی مسکن گزید. این نشان می‌دهد که در کتاب‌های آنها، نام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و محل هجرتش مشخص بوده و این مشخصات، غیر از آن چیزی است که درباره منجی عالم آمده است.

بشارت در تورات و انجیل

- در انجیل یوحنا چنین آمده است: «و من از پدر خواهم خواست و او تسلی دهنده دیگر، به شما خواهد داد...»؛⁶ همین طور، فخرالاسلام، نویسنده معروف انس‌الاسلام که خود یکی از کشیشان بود، جریان مفصلی دارد که نشان می‌دهد لفظ «فارقلیطا»، به زبان سریانی و «پریکتوس»، به زبان یونانی که در تورات و انجیل آمده، «احمد» و «محمد» است که همان پیامبر اسلام است⁷ و نه منجی جهانی.
- همچنین باید گفت که اگر (بر فرض محال) چنین چیزی بوده که تحقق نیافته است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که به اعتقاد پیروان همه ادیان و جهانیان از دنیا رفت و عدالت فراگیر جهانی به وجود نیامد؛ هر چند او دین کامل و جهانی آورد؛ ولی عدالت، جهانی نشد و تمام بشریت نجات نیافت؛ پس گذشت تاریخ، بطلان این نظر را نشان داده است؛ علاوه بر این، در همان ادیان، به طور جداگانه، بشارت به منجی جهانی داده شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:
1. در کتاب مقدس هندوها، چنین می‌خوانیم: «دور دنیا تمام شود، به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشواک ملانکه و پریان و آدمیان باشد؛ حق و راستی با او باشد».⁸ «پادشاهی دنیا، به فرزند سید خلائق [همان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله] دو جهان، کشن بزرگوار، تمام شود. او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود و دین خدا، یک دین شود و دین خدا زنده گردد».⁹
 - برهمنیان می‌گویند: «و شینو در میان مردم ظاهر گردد... او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است... هنگام ظهور وی، خورشید و ماه، تاریک شوند و زمین خواهد لرزید».¹⁰
 - چینیان معتقدند که: «کریشنا ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد».¹¹ چینی‌ها همچنین می‌گویند: «هنگامی که فساد، انحطاط و تباهی، جهان را فرا گیرد، شخص کاملی که آن را تیرتنگره (نوید دهنده) گویند، ظهور کرده، تباهی را از بین می‌برد و صافی را از نو برقرار می‌سازد».¹²
 - در کتاب‌های آسمانی تحریف شده انبیای گذشته، بیشتر از موعود جهانی سخن به میان آمده است. این موعود، در دین مجوس، به نام «بهرام ایستاده (فائم) و نجات دهنده»، در زبور، به نام «عقیق»، در صحف ابراهیم به نام «حاشر»، در تورات، «ماشع» و در انجیل، «مسیح الزمان» خوانده شده است.¹³ در کتاب‌های مقدس زرتشتیان چنین می‌خوانیم: «سوشیانت (نجات دهنده)، دین را به جهان رواج دهد؛ فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد؛ ایزدان را از دست اهریمنان نجات دهد و مردم جهان را هم‌فکر، هم‌گفتار و هم‌کردار سازد».¹⁴

در زیور داوود، چنین آمده است: «قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان، شادی کند و زمین، مسرور گردد. دریا غرش نماید. صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آن گاه، تمام درختان، ترنم خواهند نمود به حضور خداوند؛ زیرا که [او] می‌آید...» 15.

در تورات، کتاب مقدس یهودیان، چنین آمده است: «مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد. گرگ با بره سکونت خواهد کرد. پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و در تمامی کره زمین مقدس، شر و فساد نخواهد بود؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.» 16.

و در انجیل متی چنین می‌خوانیم: «شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید». همچنین آمده است: «همچنان که برق از مشرق ساطع می‌شود تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود».

در سخنان هیچ یک از پیامبران گذشته، بسان پیغمبر آخرالزمان، سخن از مهدی موعود و منجی بشر نرفته و تصویر جامع و کاملی از قیام، عدالت، حکومت و اوصاف شخصی آن حضرت ارائه نشده است. بخش‌های نقل شده از ادیان گذشته، نشان‌دهنده آن است که منجی جهانی، غیر از پیغمبر خاتمی است که بشارت ظهور وی در ادیان گذشته داده شده است.

برای مطالعه بیشتر، به کتاب‌های زیر مراجعه نمایید:

1. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
2. مجله مبلغان، شماره 34 (در مقاله نبرد انتظارها) و شماره 58 (مقاله خاتم انبیا از خاتم اوصیا می‌گوید).
3. مهدی، انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی.

<http://hawzah.net>